

واکنش زنجیره‌ای یا آرزوگرایی

از امید سیاسی تا ظرفیت مدنی در گذار ایران

پیمان بخشایش

جراح تروما و ارتوپدی

MD, PhD, MBA

متن پایه: ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۶ | نسخه تکمیل شده: ۶ اکتبر ۲۰۲۶

چکیده

خواست پایان دادن به جمهوری اسلامی و دستیابی به ایرانی آزاد، توسعه یافته و برخوردار از منزلت ملی، هر اندازه نیرومند باشد، به خودی خود سازوکار تحقق آن را پدید نمی‌آورد. استدلال این مقاله آن است که گذار سیاسی به پیوند میان نارضایتی، اعتماد اجتماعی، همکاری مدنی، حمایت از قربانیان، ریزش در پایه‌های پشتیبان حکومت و آمادگی نهادی برای انتقال قدرت نیاز دارد. مفهوم واکنش زنجیره‌ای در این نوشته استعاره‌ای برای توضیح همین پیوندهاست، نه قانونی فیزیکی برای پیش‌بینی رفتار جامعه.

با تکیه بر پژوهش‌های استدلال انگیزش‌مند، مدل‌های آستانه‌ای کنش جمعی، مطالعات تحریم و مقاومت مدنی، و گزارش‌های مستند حقوق بشری، مقاله توضیح می‌دهد چرا فشار اقتصادی یا حمله خارجی الزاماً به فروپاشی سیاسی منتهی نمی‌شود. نتیجه اصلی این است که پادشاهی‌خواهان و حامیان شاهزاده رضا پهلوی، اگر خواهان پادشاهی مشروطه پارلمانی و سکولار دموکراسی‌اند، باید آرمان خود را با دفاع بی‌قید و شرط از حقوق بشر، همکاری مستقل با گروه‌های مدنی و تعهد روشن به رأی آزاد مردم همراه کنند. واکنش زنجیره‌ای سیاسی از شعار تکراری ساخته نمی‌شود؛ از حلقه‌های کوچک، قابل اعتماد، قابل سنجش و پیوسته شکل می‌گیرد.

این نسخه همچنین تفاوت بسیج مقطعی با ظرفیت پایدار، نقش رهبری در ساختن نهادهای پاسخ‌گو، و ضرورت سنجش نتیجه فعالیت‌ها را روشن می‌کند. معیار پیشرفت، افزایش توان همکاری و حفاظت از حقوق مردم است؛ محبوبیت یک شعار یا افزایش بازدیدهای مجازی به تنهایی چنین پیشرفتی را اثبات نمی‌کند.

کلیدواژه‌ها: واکنش زنجیره‌ای اجتماعی؛ آرزوگرایی؛ کنش جمعی؛ حقوق بشر؛ جمهوری اسلامی؛ پادشاهی مشروطه؛ رضا پهلوی

دامنه و روش مقاله

این نوشته یک مقاله تحلیلی مبتنی بر مرور روایتی منابع منتخب در فیزیک هسته‌ای، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی سیاسی، تاریخ معاصر، مطالعات تحریم و مستندسازی حقوق بشر است؛ مطالعه تجربی تازه یا مرور نظام‌مند محسوب نمی‌شود. متن پایه در ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۶ تدوین شده و این نسخه در ۶ اکتبر ۲۰۲۶ تکمیل شده است. در بازبینی حاضر، گزارش‌های مورد استناد درباره رویدادهای ۲۰۲۶ با صفحات رسمی ناشران تطبیق داده شده‌اند. گزارش‌های نهادها، یافته‌های پژوهشی و داده‌های تاریخی با ارجاع مشخص آمده‌اند؛ دآوری درباره شکل مطلوب حکومت و چارچوب پیشنهادی عمل، موضع نویسنده است. از این منابع برای برآورد احتمال عددی یا زمان سقوط حکومت ایران استفاده نشده است.

۱. معنای دقیق واکنش زنجیره‌ای و حدود استعاره

در شکافت هسته‌ای، یک هسته شکافت‌پذیر پس از جذب نوترون می‌تواند شکافته شود و نوترون‌های دیگری آزاد کند. اگر بخشی از این نوترون‌ها شکافت‌های بعدی را آغاز کنند و تعداد نوترون‌ها دست‌کم پایدار بماند، واکنش زنجیره‌ای خودنگهدار شکل می‌گیرد. کشف شکافت در ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ و نخستین واکنش زنجیره‌ای کنترل‌شده و خودنگهدار به رهبری انریکو فرمی در شیکاگو در ۲ دسامبر ۱۹۴۲، حاصل رشته‌ای فراملی از ایده، آزمایش، تبیین و سازمان‌دهی بود. [۱، ۲]

روایت بمبی از اورانیوم با غنای بالا که قرار بود مانند بمب متعارف با برخورد به زمین منفجر شود، از نظر علمی و تاریخی دقیق نیست. سلاح هسته‌ای صرفاً بر اثر اصابت به زمین فعال نمی‌شود؛ سازوکار درونی آن ماده شکافت‌پذیر را در زمانی کوتاه به آرایشی فوق‌بحرانی می‌رساند. در پروژه منهتن نیز دو طرح متفاوت برای اورانیوم و پلوتونیوم توسعه یافت و بمب هیروشیما در ارتفاع منفجر شد، نه بر اثر برخورد با زمین. [۳]

ارزش این مثال برای سیاست در پیوستگی مراحل است: یک کنش می‌تواند هزینه کنش بعدی را کاهش دهد، اطلاعات تازه تولید کند یا اعتماد ایجاد کند. اما جامعه تابع قطعیت‌های فیزیک نیست. انسان‌ها انتخاب می‌کنند، می‌ترسند، نظرشان را تغییر می‌دهند و با یکدیگر اختلاف دارند؛ حکومت نیز می‌آموزد و واکنش نشان می‌دهد. بنابراین، واکنش زنجیره‌ای در این مقاله فقط استعاره‌ای برای بازخوردهای اجتماعی است و هیچ معنایی در تأیید خشونت یا تخریب ندارد.

۲. آرزوگرایی چگونه جای تحلیل را می‌گیرد

آرزوگرایی زمانی رخ می‌دهد که مطلوب‌بودن یک نتیجه را با محتمل‌بودن آن اشتباه بگیریم. زیوا کوندا در پژوهش کلاسیک خود درباره استدلال انگیزش‌مند نشان داد که میل به یک نتیجه می‌تواند بر جست‌وجو، انتخاب و ارزیابی شواهد اثر بگذارد. فرد معمولاً برای نتیجه مطلوب خود توجیهی ظاهراً معقول پیدا می‌کند. این گرایش منحصر به یک جریان سیاسی نیست و می‌تواند پادشاهی‌خواه، جمهوری‌خواه، چپ، راست یا حامی وضع موجود را گرفتار کند. [۴]

در بحث ایران، جمله‌هایی مانند «حکومت ضعیف شده، پس در آستانه سقوط است» یا «قدرت‌های خارجی با آن درگیرند، پس آزادی نزدیک است» از چند حلقه اثبات‌نشده عبور می‌کنند. باید پرسید ضعف در کدام نهاد رخ داده است؛ آیا توان سرکوب کاهش یافته؛ آیا شکاف مؤثری در ائتلاف حاکم پدید آمده؛ آیا همکاری مخالفان گسترش یافته؛ و چه ترتیبی برای انتقال پاسخ‌گوی قدرت وجود دارد. امید سیاسی با طرح این پرسش‌ها از بین نمی‌رود؛ دقیق‌تر و مسئولانه‌تر می‌شود.

می‌توان آرمان را ثابت نگه داشت و درباره مسیر رسیدن به آن انعطاف‌پذیر بود. برای من، آزادی ایران و امکان انتخاب پادشاهی مشروطه آرمان سیاسی است؛ اما تعیین زمان قطعی پیروزی، بدون شواهد کافی، ادعایی درباره واقعیت است. مسئولیت فکری اقتضا می‌کند میان آرمان، پیش‌بینی و برنامه عمل تفاوت بگذاریم.

۳. از نارضایتی فردی تا کنش جمعی

مارک گرانووتر در مدل آستانه‌ای رفتار جمعی توضیح می‌دهد که تصمیم هر فرد برای پیوستن ممکن است به تعداد یا نسبت دیگرانی وابسته باشد که پیش‌تر وارد عمل شده‌اند. دو جامعه با میانگین نارضایتی مشابه می‌توانند نتایج کاملاً متفاوتی داشته باشند، زیرا توزیع آستانه‌ها، اعتماد متقابل و هزینه ادراک‌شده مشارکت یکسان نیست. این مدل شمار جادویی یا دستور قطعی پیروزی ارائه نمی‌کند. [۵]

تیمور کوران نشان می‌دهد که فاصله میان ترجیح خصوصی و اظهار عمومی می‌تواند عمق مخالفت را پنهان کند. آشکارشدن مخالفت برخی افراد ممکن است تصور دیگران از تنهایی و امکان تغییر را دگرگون سازد و آشناری از مشارکت ایجاد کند. همین نظریه هم‌زمان محدودیت پیش‌بینی را نیز روشن می‌کند: از سکوت نمی‌توان رضایت عمومی نتیجه گرفت و از مشاهده یک موج اعتراضی نیز نمی‌توان پیروزی حتمی را استنتاج کرد. [۶]

معادل دقیق‌تر استعاره هسته‌ای در علوم اجتماعی، آتشبار یا زنجیره کنش جمعی است. حمایت معتبر از یک خانواده آسیب‌دیده می‌تواند تجربه‌ای از همبستگی بسازد؛ همکاری موفق می‌تواند تکرار شود؛ و تکرار آن ممکن است ظرفیت مدنی پایدار ایجاد کند. هر حلقه می‌تواند متوقف یا معکوس شود، بنابراین کیفیت رابطه‌ها، صحت اطلاعات و امکان اصلاح خطاها از شدت شعار مهم‌تر است.

۴. میراث پهلوی و مسئولیت ساختن آینده

بخشی از گرایش به پهلوی از حافظه توسعه، نظم اداری و منزلت ملی تغذیه می‌کند. دولت‌سازی، راه‌آهن، بانک ملی، اصلاحات حقوقی و آموزشی و توسعه زیرساخت‌ها در دوره رضاشاه، و رشد سریع صنعتی در دوره محمدرضاشاه، واقعیت‌های تاریخی مستندند. در فاصله ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۷، تولید ناخالص داخلی واقعی به‌طور متوسط حدود ۱۰٫۵ درصد در سال رشد کرد؛ باین‌حال وابستگی به نفت، نابرابری شهری و روستایی و گسترش شتاب‌زده هزینه‌ها نیز پیامدهای مهمی داشتند. خود همان منبع نتیجه می‌گیرد که سطح زندگی اکثریت مردم به‌طور محسوس بهبود یافت، اما منافع رشد به‌طور برابر توزیع نشد. [۷]

حقوق زنان بخش مهم دیگری از این میراث است. حق رأی زنان در ۱۹۶۳، قوانین حمایت خانواده در ۱۹۶۷ و ۱۹۷۵ و گسترش آموزش و اشتغال، تغییرات بزرگی ایجاد کردند. شمار دانشجویان زن در آموزش عالی از حدود ۵۰۰ نفر در ۱۹۴۶ به ۴۳ هزار نفر در ۱۹۷۶ رسید. در عین حال، پژوهش تاریخی نقش فعالان و تشکلهای زنان و محدودیت استقلال سازمان‌های رسمی را نیز نشان می‌دهد. دفاع از دستاوردهای آن دوره با به‌رسمیت‌شناختن عاملیت خود زنان سازگار است. [۸]

آزادی‌های اجتماعی و آزادی سیاسی یکسان نیستند. رشد اقتصادی و برخی آزادی‌های اجتماعی با محدودیت رقابت سیاسی، فعالیت حزبی مستقل و نقد قدرت همراه بود. جنگ سرد، همسایگی شوروی و فعالیت نیروهای اسلام‌گرا و چپ انقلابی زمینه فهم نگرانی‌های امنیتی آن دوره‌اند؛ اما این زمینه‌ها ثابت نمی‌کنند که هر محدودیت سیاسی اجتناب‌ناپذیر بود. گزاره «آزادی ممکن نبود» دآوری خلاف‌واقع و مناقشه‌پذیر است، نه نتیجه‌ای علمی که انقلاب ۱۳۵۷ بتواند آن را اثبات کند.

من از شاهزاده رضا پهلوی و پادشاهی مشروطه پارلمانی حمایت می‌کنم، زیرا این گزینه را ظرفیتی برای پیوند تداوم ملی با حکومت منتخب می‌دانم. تحقق این ظرفیت به قانون اساسی، تفکیک قوا، انتخابات آزاد، محدودبودن اختیارات مقام سلطنت، پاسخ‌گویی دولت به پارلمان و تضمین حق مخالفان وابسته است. علاقه به خاندان پهلوی جای این تضمین‌ها را نمی‌گیرد. خاطره دلار هفت‌تومانی یا اعتبار گذرنامه نیز بدون بررسی قدرت خرید، دستمزد، توزیع درآمد و شرایط بین‌المللی، سنجه کامل رفاه نیست.

۵. تداوم سرکوب و خطای انتظار عقب‌نشینی خودکار

کاربرد خشونت برای تثبیت قدرت از نخستین روزهای جمهوری اسلامی دیده شد. در ۲۶ بهمن ۱۳۵۷، چهار مقام ارشد حکومت پیشین در مدرسه رفاه، پس از محاکمه‌هایی بسیار کوتاه و بدون دسترسی مؤثر به وکیل، اعدام شدند. پرونده مهدی رحیمی یکی از موارد مستند آن شب است. [۹] از خرداد ۱۳۶۰ موج گسترده بازداشت، شکنجه، ناپدیدسازی قهری و اعدام خودسرانه مخالفان سیاسی شدت گرفت. گزارش تفصیلی گزارشگر ویژه سازمان ملل این وقایع در ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ و کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ را در چارچوب نقض‌های فاحش و جنایات سنگین بررسی کرده است. [۱۰، ۱۱]

در ۹ خرداد ۱۳۷۱، اعتراضات کوی طلاب مشهد در زمینه تخریب ساخت‌وسازهای غیررسمی، اخراج ساکنان و نارضایتی اقتصادی شکل گرفت. عفو بین‌الملل از بازداشت بیش از ۳۰۰ نفر و خطر شکنجه، محاکمه ناعادلانه و مجازات اعدام خبر داد؛ بنابراین، نسبت‌دادن رقم قطعی کشته‌ها بدون منبع قابل اتکا درست نیست. [۱۲] حمله به کوی دانشگاه تهران در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و بازداشت و ناپدیدشدن دانشجویان نیز در گزارش‌های حقوق بشری ثبت شده است. [۱۳]

پس از انتخابات مناقشه‌برانگیز خرداد ۱۳۸۸، هزاران نفر خودسرانه بازداشت شدند، ده‌ها نفر در خیابان یا بازداشتگاه جان باختند و گزارش‌های متعددی از شکنجه و بدرفتاری منتشر شد. [۱۴] اعتراضات دی ۱۳۹۶ از ۲۸ دسامبر ۲۰۱۷ آغاز شد و گزارشگر ویژه سازمان ملل از مرگ بیش از ۲۰ نفر و بازداشت هزاران نفر سخن گفت. [۱۵] در آبان ۱۳۹۸ نیز عفو بین‌الملل مشخصات دست‌کم ۳۰۴ زن، مرد و کودک کشته‌شده را مستند کرد و تأکید داشت رقم واقعی احتمالاً بیشتر است. [۱۶]

در مورد جنبش زن، زندگی، آزادی که پس از مرگ ژینا مهسا امینی در شهریور ۱۴۰۱ شکل گرفت، هیئت حقیقت‌یاب مستقل سازمان ملل در ۲۰۲۴ نتیجه گرفت که بخشی از نقض‌ها، از جمله قتل، حبس، شکنجه، تجاوز و دیگر اشکال خشونت جنسی، آزار و ناپدیدسازی قهری، در چارچوب حمله‌ای گسترده و سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی به سطح جنایت علیه بشریت رسیده‌اند. این نتیجه‌گیری متعلق به هیئت حقیقت‌یاب است و باید با همین انتساب بیان شود. [۱۷]

اعتراضات سراسری آغازشده در ۷ دی ۱۴۰۴، برابر با ۲۸ دسامبر ۲۰۲۵، نیز با سرکوبی بسیار سنگین روبه‌رو شد. شورای حقوق بشر سازمان ملل در ۲۳ ژانویه ۲۰۲۶ از مرگ و بازداشت هزاران نفر سخن گفت و به دلیل قطع ارتباطات، درباره دشواری راستی‌آزمایی رقم دقیق هشدار داد. [۱۸] در این مقاله، «جنبش شیر و خورشید» نامی است که برخی مخالفان، از جمله نویسندگان، برای جریان ملی و پادشاهی‌خواه به کار می‌برند؛ این نام‌گذاری به معنای انتساب هویتی یکسان به همه معترضان نیست. گزارش سپتامبر ۲۰۲۶ عفو بین‌الملل مسئولیت مقام‌ها در سرکوب جنبش زن، زندگی، آزادی و تداوم مصونیت از مجازات را بررسی می‌کند؛ گزارش ژوئیه همان سال نیز افزایش اعدام‌ها و احکام اعدام مرتبط با اعتراضات را ثبت کرده است. [۱۹، ۲۰]

از این سابقه می‌توان استمرار ظرفیت و اراده سرکوب را استنباط کرد؛ اما ادعای افزایش کاملاً خطی خشونت در هر سال به داده‌های مقایسه‌پذیر نیاز دارد. آگاهی از خطر خون‌ریزی نیز نباید به پذیرفتن آن به‌عنوان سرنوشت اجتناب‌ناپذیر تبدیل شود. حفظ جان مردم باید معیار ارزیابی هر پیشنهاد سیاسی باشد.

۶. چرا فشار خارجی برای گذار کافی نیست

فشار اقتصادی می‌تواند منابع حکومت را محدود و هزینه سیاست‌هایش را افزایش دهد، اما اثر آن بر بقای حکومت‌های اقتدارگرا به نوع رژیم، ساختار درآمدی و توان توزیع امتیاز و سرکوب وابسته است. پژوهش تطبیقی نشان می‌دهد تحریم‌ها در برخی رژیم‌ها رهبران را آسیب‌پذیرتر می‌کنند و در برخی دیگر اثر محدودی بر ماندگاری آنان دارند. مطالعه دیگری تحریم‌های اقتصادی را با وخامت حقوق مربوط به امنیت جسمانی مرتبط دانسته است. این یافته‌ها حکم قطعی درباره ایران نیستند، اما نشان می‌دهند رنج اقتصادی مردم و فرسایش قدرت حکومت الزاماً با یک سرعت حرکت نمی‌کنند. [۲۱، ۲۲]

حمله نظامی آمریکا و اسرائیل ممکن است بخشی از توان نظامی یا زیرساخت حکومت را آسیب بزند، اما اثر سیاسی آن باید جداگانه سنجیده شود. جنگ می‌تواند به مرگ غیرنظامیان، تخریب معیشت، اختلال در ارتباطات مدنی و امنیتی‌ترشدن فضای داخلی بینجامد. گزارش عفو بین‌الملل در سپتامبر ۲۰۲۶ هم‌زمان درباره جنایات منتسب به حکومت ایران و آسیب‌های حملات خارجی هشدار داده است. [۱۹] بنابراین، فرض اینکه هر ضربه خارجی به همان اندازه ایران را به آزادی نزدیک می‌کند، پشتوانه کافی ندارد.

افغانستان فقط یک مثال محدود و هشداردهنده است. گزارش بانک جهانی در مه ۲۰۲۶ از رشد محدود اقتصاد در کنار افت سطح زندگی خبر داد. این هم‌زمانی نشان می‌دهد فقر شدید و انزوای نسبی لزوماً به سقوط خودکار حکومت طالبان منتهی نشده است. [۲۳] با این حال، افغانستان تحت «تحریم کامل» نبوده و ساخت دولت، منابع، جامعه و موقعیت ژئوپولیتیک آن با ایران تفاوت دارد؛ پس این قیاس نه بقای قطعی جمهوری اسلامی را اثبات می‌کند و نه ویژگی ثابت همه حکومت‌های اسلامی را.

ارزیابی راهبردی باید چهار پرسش را پیگیری کند: آیا کاهش منابع به ناتوانی نهادهای سرکوب انجامیده است؛ آیا در ائتلاف حاکم شکاف مؤثر پدید آمده؛ آیا گروه‌های اجتماعی بیشتری می‌توانند با هزینه قابل تحمل مشارکت کنند؛ و آیا بدیلی معتبر برای اداره دوران گذار وجود دارد؟ واگذاری نتیجه به محاسبات دولت‌های خارجی، جای عاملیت و مسئولیت ایرانیان را پر نمی‌کند.

۷. حقوق بشر به عنوان پایه همکاری مستقل

ائتلاف سلبی علیه جمهوری اسلامی می‌تواند با مخالفت با اعدام، شکنجه، حجاب اجباری و بازداشت خودسرانه آغاز شود؛ اما برای دوام به توافق ایجابی بر حق حیات، برابری شهروندان، آزادی بیان، دادرسی عادلانه و قواعد رقابت سیاسی نیاز دارد. دفاع از حق مخالف، آزمون جدی‌تر آزادی‌خواهی ماست. کسی که با پادشاهی مخالفت می‌کند، همان‌قدر حق امنیت، بیان و دادرسی عادلانه دارد که یک پادشاهی‌خواه.

پشتیبانی از حقوق زنان باید پیوسته باشد. عفو بین‌الملل در مه ۲۰۲۴ تشدید برخورد با زنان و دختران برای اجرای حجاب اجباری را ثبت کرد؛ بنابراین مسئله فقط احتمال بازگشت یک گشت در آینده نیست، بلکه تداوم سازوکارهای قهری و شکل‌های تازه نظارت و مجازات است. [۲۴] آزادی پوشش و مشارکت برابر زنان باید در رفتار امروز نیروهای مخالف نیز دیده شود.

جنبش شیر و خورشید می‌تواند با مدافعان حقوق زنان، مخالفان اعدام، خانواده‌های دادخواه، گروه‌های صنفی و مدافعان زندانیان سیاسی همکاری کند. شرط موفقیت، حفظ استقلال این گروه‌ها و حق آنان برای نقد رهبری و برنامه‌هاست. لازم نیست یک فعال حقوق زنان پیش از همکاری درباره آزادی پوشش، شکل نهایی حکومت را بپذیرد. همکاری بر سر حقوق مشخص می‌تواند اعتماد تولید کند؛ مطالبه هم‌سویی کامل، دامنه ائتلاف را کاهش می‌دهد.

آزادی کسانی که صرفاً به سبب استفاده مسالمت‌آمیز از حقوق خود زندانی شده‌اند باید مطالبه‌ای روشن باشد. درباره هر اتهام کیفری دیگر نیز اصل برائت، منع شکنجه، دسترسی به وکیل و دادرسی عادلانه ضرورت دارد. دفاع از این حقوق با تأیید عقاید یا همه رفتارهای فرد یکسان نیست.

۸. اعتبار بین‌المللی و مقابله با روایت وابستگی

جمهوری اسلامی می‌کوشد مخالفان را عوامل دولت‌های خارجی معرفی کند و از این تصویر برای توجیه سرکوب بهره ببرد. گزارش‌های ۲۰۲۶ استفاده از برچسب‌هایی مانند جاسوس، همکار دولت متخاصم، آشوبگر و مزدور را ثبت کرده‌اند. [۱۸، ۲۰] پاسخ مؤثر، حدس زدن درباره اتاق‌های فکر پنهان نیست؛ پاسخ، نشان دادن استقلال سیاسی، شفافیت مالی، وفاداری به حقوق مردم و تصحیح علنی خطاهای خودمان است.

در ادبیات شبکه‌های فراملی دفاع از حقوق بشر، گروه‌های داخلی مسدود شده می‌توانند اطلاعات معتبر را به رسانه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای بین‌المللی منتقل کنند تا فشار از بیرون به ساخت قدرت بازگردد. این سازوکار که به الگوی بومرنگ مشهور است، بر سند معتبر و شبکه اعتماد تکیه دارد؛ تضمین نمی‌کند که نام‌بردن و شرمسارسازی همیشه سرکوب را متوقف کند. [۲۵]

دموکرات‌های آمریکا، سوسیال‌دموکرات‌ها، سبزها، نیروهای چپ و سازمان‌های حقوق بشری مجموعه‌ای یکدست نیستند. نقد آنان باید متوجه موضع یا رفتار مشخص باشد. مخالفت یک نهاد با جنگ به خودی خود حمایت از جمهوری اسلامی نیست؛ همان‌گونه که مخالفت با جمهوری اسلامی نباید به سکوت در برابر آسیب به غیرنظامیان بینجامد.

مراد من از پاتک به روایت حکومت، پاسخ مستند در عرصه عمومی، آشکارکردن تناقض‌ها و پیگیری پاسخ‌گویی است. اتهام بی‌سند، تحقیر مخالف و نسبت‌دادن وابستگی به هر منتقد، همان اعتماد و گستره همکاری را فرسوده می‌کند که برای تغییر به آن نیاز داریم.

۹. چرا زنجیره کنش جمعی متوقف می‌شود؟

زنجیره کنش جمعی فقط از گسترش پیام تشکیل نمی‌شود. پیام باید فهمیده شود، اعتبار پیدا کند، به تصمیم تبدیل شود و در تجربه‌ای از همکاری استمرار یابد. ممکن است هزاران نفر یک سخن را باز نشر کنند، اما هیچ رابطه ماندگاری میان آنان شکل نگیرد. در مقابل، همکاری کوچک و تکرارشونده می‌تواند به شناخت متقابل، تقسیم مسئولیت و اعتماد بینجامد. بنابراین، دامنه دیده‌شدن و عمق سازمان‌یافتگی دو مفهوم جداگانه‌اند.

ترس، فرسودگی، بی‌اعتمادی، دشواری معیشت و تجربه وعده‌های برآورده نشده می‌توانند میان این مراحل فاصله ایجاد کنند. سکوت یک فرد ممکن است حاصل هزینه‌ای باشد که برای او قابل تحمل نیست، نه فقدان علاقه به آزادی. مدل‌های آستانه‌ای و بحث ترجیحات پنهان به ما کمک می‌کنند این تفاوت را ببینیم؛ از آن‌ها نمی‌توان برای سرزنش مردم یا تعیین تکلیف یکسان برای همه استفاده کرد. [۵، ۶]

مسئولیت سیاسی، فهم محدودیت‌های واقعی و گسترش امکان مشارکت داوطلبانه است.

عامل دیگری که زنجیره را می‌گسلد، تبدیل اختلاف نظر به آزمون وفاداری است. اگر هر نقدی خیانت تلقی شود، افراد برای همکاری باید بخشی از هویت و استقلال فکری خود را کنار بگذارند. ائتلافی که فقط با حذف تفاوت‌ها شکل بگیرد، با نخستین اختلاف جدی آسیب‌پذیر می‌شود. از نظر من، همبستگی ملی زمانی معنای عملی دارد که پادشاهی‌خواه و جمهوری‌خواه بتوانند درباره آزادی زندانیان سیاسی، حق تشکل و انتخابات آزاد همکاری کنند، بی‌آنکه مجبور باشند پیشاپیش درباره همه مسائل توافق کنند.

در چارچوب پیشنهادی من، بازخورد باید بخشی از هر فعالیت باشد؛ چه کاری انجام شد، چه نتیجه‌ای داشت، چه کسی از آن بهره برد و کدام خطا باید اصلاح شود؟ حمایت از یک خانواده هنگامی حلقه بعدی می‌سازد که تجربه آن حمایت معتبر و قابل تداوم باشد. شکست نیز می‌تواند به یادگیری بینجامد، اگر علنی و منصفانه بررسی شود. سازمانی که فقط موفقیت‌های خود را روایت می‌کند و ناکامی‌ها را به خیانت دیگران نسبت می‌دهد، امکان اصلاح راهبردش را محدود می‌کند.

۱۰. از رهبری نمادین تا نهادهای پاسخ‌گو

یک چهره شناخته شده می‌تواند امید و توجه عمومی را متمرکز کند، زبان مشترکی برای مخاطبان متفاوت بسازد و صدای مطالبات را به نهادهای بین‌المللی برساند. اما مقبولیت نمادین با توان اجرایی، نمایندگی انتخابی یا اختیار نامحدود یکسان نیست. نقش‌ها باید روشن باشند: سخنگویی درباره یک مطالبه، هماهنگی میان گروه‌ها و اداره موقت کشور مسئولیت‌هایی متفاوت‌اند و هر کدام به حدود اختیار و سازوکار پاسخ‌گویی نیاز دارند.

حمایت من از شاهزاده رضا پهلوی در همین چارچوب قرار می‌گیرد. من او را ظرفیتی برای آشتی ملی و پیوند حافظه تاریخی با آینده دموکراتیک می‌دانم؛ این داوری سیاسی من است و جای رأی آزاد مردم را نمی‌گیرد. تقویت چنین نقشی به پذیرش نقد، معرفی روشن مسئولان، شفافیت منابع مالی و احترام به استقلال نیروهای همکار وابسته است. بهترین دفاع از یک رهبر، فراهم کردن شرایطی است که تصمیم‌های او و همکارانش قابل بررسی و اصلاح باشد.

از نگاه من، آمادگی برای گذار باید دست‌کم به چند پرسش عمومی پاسخ دهد: مرجع تصمیم‌گیری موقت چگونه تعیین می‌شود و چه مدت اختیار دارد؟ خدمات عمومی و حقوق کارکنان چگونه حفظ می‌شوند؟ چه ترتیبی برای انتخاب نهاد تدوین قانون اساسی و برگزاری رأی‌گیری آزاد وجود دارد؟ چه نهادی از آزادی رسانه، احزاب و مخالفان حفاظت می‌کند؟ پاسخ این پرسش‌ها باید پیش از کسب قدرت موضوع گفت‌وگو باشد. تکرار نام یک شخصیت، پاسخ نهادی به این مسائل نیست.

عدالت دوران گذار نیز باید با دادرسی عادلانه همراه باشد. خواست من، رسیدگی مستقل به مسئولیت افراد بر پایه شواهد، حفظ حقوق قربانیان و منع مجازات جمعی یا انتقام‌گیری است. تغییر سیاسی نباید به معنای ازهم‌گسیختن همه خدمات اداری یا یکسان‌انگاشتن مسئولیت همه کارکنان دولت باشد. تفکیک مسئولیت کیفری از اشتغال عادی و تفاوت‌گذاشتن میان پاسخ‌گویی و انتقام، بخشی از تضمین آینده‌ای است که در آن قانون بر صاحبان قدرت نیز حاکم باشد.

۱۱. حلقه‌های یک راهبرد قابل ارزیابی

پژوهش استفان و چنووت درباره کارزارهای بزرگ ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۶، موفقیت بیشتری برای کارزارهای عمدتاً غیرخشونت‌آمیز در مقایسه با کارزارهای خشونت‌آمیز گزارش کرد؛ سازوکارهای اصلی، امکان مشارکت گسترده‌تر و افزایش احتمال ریزش در پایه‌های پشتیبان حکومت بودند. [۲۶] اما بررسی تازه‌تر چنووت نشان می‌دهد میزان موفقیت کارزارهای غیرخشونت‌آمیز پس از ۲۰۱۰ کاهش یافته است، زیرا حکومت‌ها سازگارتر شده‌اند و بسیاری از جنبش‌ها بیش‌ازحد به بسیج دیجیتال و تظاهرات مقطعی تکیه کرده‌اند. سازمان‌دهی، ائتلاف‌سازی، تنوع تاکتیک‌های مدنی و انضباط غیرخشونت‌آمیز اهمیت دارند. [۲۷]

چارچوب زیر برداشت نویسنده از ادبیات کنش جمعی و مسئله ایران است. حلقه‌ها ممکن است هم‌زمان یا با ترتیب متفاوت شکل بگیرند و جدول، نقشه قطعی سقوط حکومت نیست. شاخص‌ها فقط برای ارزیابی فعالیت‌های علنی و داوطلبانه‌اند و نباید به گردآوری اطلاعات هویتی آسیب‌زا درباره افراد منجر شوند.

جدول ۱. حلقه‌های پیشنهادی و نشانه‌های قابل بررسی

حلقه	نقش در فرایند	نشانه قابل بررسی
مستندسازی معتبر	روشن کردن نقض حقوق با رضایت آسیب‌دیدگان و حفظ محرمانگی	گزارش‌های قابل راستی‌آزمایی و اصلاح علنی خطاها
حمایت پیوسته	کاهش انزوای خانواده‌ها و تداوم پشتیبانی حقوقی و اجتماعی	استمرار حمایت و ارزیابی رضایت دریافت‌کنندگان
ائتلاف حقوق‌محور	همکاری گروه‌های متفاوت بر حقوق مشخص همراه با حفظ حق نقد	فعالیت مشترک تکرارشونده و سازوکار حل اختلاف
روایت مستقل	کاهش آسیب‌پذیری در برابر اتهام وابستگی و نیابتی‌بودن	شفافیت منابع، مواضع و حدود همکاری خارجی
آمادگی دموکراتیک	تعیین حدود قدرت و قواعد انتخاب آزاد در دوران گذار	تعهدات مکتوب درباره انتخابات و حقوق مخالفان
بازنگری منظم	تشخیص خطا، توقف آرزوگرایی و اصلاح راهبرد	شاخص‌های علنی، ثبت ناکامی‌ها و تغییر تصمیم بر پایه شواهد

یادداشت: این جدول چارچوب تحلیلی نویسنده است و رابطه قطعی یا ترتیب الزامی میان حلقه‌ها ادعا نمی‌کند.

پادشاهی‌خواهان در هر یک از این حلقه‌ها می‌توانند سهم داشته باشند. حمایت از شاهزاده رضا پهلوی زمانی معنای نهادی روشن‌تری پیدا می‌کند که با پذیرش نقد، شفافیت مسئولیت‌ها و تضمین رقابت آزاد همراه شود. همکاری نیروهای ملی و مدنی باید هم استقلال کشور را پاس بدارد و هم حق مردم برای انتخاب نتیجه‌ای متفاوت از ترجیح من را محترم بشمارد.

برای ارزیابی این حلقه‌ها، پیشنهاد من بررسی دوره‌ای و مقایسه با وضعیت آغازین است. به‌جای اتکا به تعداد پیام‌ها، می‌توان تداوم همکاری داوطلبانه، انجام تعهدات اعلام‌شده، کیفیت پاسخ‌گویی به درخواست‌های حمایت و توان حل اختلاف را بررسی کرد. این ارزیابی باید هم نتیجه و هم هزینه را بسنجد؛ فعالیتی که توجه زیادی جلب کرده اما اعتماد را فرسوده یا دریافت‌کنندگان حمایت را نادیده گرفته، لزوماً موفق نیست. گزارش عمومی می‌تواند به اطلاعات تجمیعی و تجربه‌های منتشرشده با رضایت صاحبان آن محدود بماند.

یک مثال فرضی این تمایز را روشن می‌کند. اگر یک کارزار حمایت از زندانیان سیاسی فقط یک روز بازتاب گسترده داشته باشد، دستاورد آن افزایش توجه است. اگر همان کارزار بتواند پیگیری مستمر، همکاری میان گروه‌های مستقل و گزارش روشن درباره تعهدات خود ایجاد کند، به ظرفیت مدنی نزدیک‌تر شده است. این مثال گزارش یک رویداد واقعی نیست و هیچ تضمینی درباره تغییر تصمیم حکومت نمی‌دهد؛ هدف آن نشان دادن تفاوت میان دیده‌شدن یک مطالبه و ساختن توان پایدار برای پیگیری آن است.

۱۲. محدودیت‌ها و معیار بازنگری

این مقاله از مدل‌های نظری و نمونه‌های تاریخی برای روشن کردن مسئله استفاده می‌کند. مدل اجتماعی علت کامل رویدادها نیست و گزارش‌های حقوق بشری نیز سرشماری بی‌خطای همه قربانیان محسوب نمی‌شوند. محدودیت دسترسی، ترس شاهدان، قطع اینترنت و منافع سیاسی بازیگران بر مستندسازی اثر می‌گذارند. همچنین مشاهده همراهی چند عامل با تغییر سیاسی، به‌تنهایی سهم علی هر عامل را اثبات نمی‌کند.

برای پرهیز از آرزوگرایی باید از پیش مشخص کنیم چه شواهدی تحلیل ما را تغییر می‌دهد. اگر همکاری میان گروه‌ها کاهش یابد، حمایت از آسیب‌دیدگان تداوم نداشته باشد، زبان طرد و تهدید در میان خود ما گسترش یابد یا تعهدهای دموکراتیک مبهم بماند، افزایش شعارها به‌تنهایی نشانه پیشرفت نیست. در مقابل، همکاری پایدار، حمایت مؤثر از حقوق مشخص، گسترش مشارکت اجتماعی، شفافیت و پذیرش قواعد مشترک رقابت، نشانه‌های قابل بررسی افزایش ظرفیت مدنی‌اند؛ هیچ‌یک به‌تنهایی زمان یا نتیجه گذار را تعیین نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

ایران برای عبور از جمهوری اسلامی به امید نیاز دارد، اما امید هنگامی به نیروی تغییر تبدیل می‌شود که رابطه میان هدف و عمل روشن باشد. ق‌ردانی از دستاوردهای پهلوی، آرزوی بازگشت منزلت ملی و حمایت از شاهزاده رضا پهلوی می‌تواند انگیزه سیاسی بسازد. تحقق پادشاهی مشروطه دموکراتیک، افزون بر این انگیزه، به رأی آزاد مردم، تضمین‌های نهادی و آمادگی برای همکاری با کسانی نیاز دارد که در شکل نهایی حکومت با ما هم‌نظر نیستند.

استراتژی پیشنهادی من، پیوند تدریجی دفاع از جان انسان‌ها با اعتمادسازی، همکاری مستقل، مقابله مستند با تبلیغات حکومت و آمادگی دموکراتیک برای گذار است. تکرار اینکه «شاهزاده باید پادشاه ایران باشد» مقصد را بیان می‌کند؛ مسئولیت سیاسی، توضیح و ساختن مسیر رسیدن به آن است. واکنش زنجیره‌ای مورد نظر، تبدیل همبستگی به ظرفیت پایدار است؛ ظرفیتی که امکان تغییر را افزایش دهد و کرامت مردم را در طول راه و پس از آن حفظ کند.

برای من، عمل‌گرایی به معنای کنارگذاشتن اصول نیست؛ به معنای یافتن راه‌های مؤثر و قابل بازنگری برای تحقق آن‌هاست. حق حیات، برابری شهروندان، استقلال کشور و رأی آزاد مردم باید مرزهای هر راهبرد باشند. ائتلاف گسترده نیز به معنای حل فوری همه اختلافات نیست، بلکه به معنای توافق بر قواعدی است که اختلاف‌ها را از دشمنی به رقابت مسالمت‌آمیز تبدیل کند.

پرسش نهایی این نیست که کدام گروه بلندتر از دیگران از آینده سخن می‌گوید؛ پرسش این است که کدام رفتار امروز، امکان آزادی و همکاری فردا را بیشتر می‌کند. هر وعده انجام‌شده، هر دفاع منصفانه از حق مخالف و هر نهاد پاسخ‌گو می‌تواند حلقه‌ای از این مسیر باشد. امید زمانی از آرزوگرایی فاصله می‌گیرد که با شواهد، مسئولیت و امکان اصلاح پیوند بخورد. آینده مطلوب ایران باید هم در مقصد ما و هم در شیوه پیمودن راه دیده شود.

منابع

ارجاع‌ها با شماره‌های متن تطبیق دارند. تاریخ بررسی منابع در متن پایه ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۶ است. صفحات رسمی گزارش‌های مربوط به رویدادهای ۲۰۲۶، دو مدخل ایرانیکا، مدخل واکنش زنجیره‌ای کمیسیون تنظیم مقررات هسته‌ای آمریکا و مقاله چنووت در بازبینی ۶ اکتبر ۲۰۲۶ تطبیق داده شدند.

1. U.S. Nuclear Regulatory Commission. Chain Reaction. Glossary. [Source](#)
2. U.S. Department of Energy. The History of Nuclear Energy. Office of Nuclear Energy, Science and Technology. Sections on fission and the first self-sustaining chain reaction. [Source](#)
3. U.S. National Park Service. Developing the Atomic Weapons. Manhattan Project National Historical Park. Updated 5 September 2025. [Source](#)
4. Kunda Z. The case for motivated reasoning. *Psychological Bulletin*. 1990;108(3):480-498. doi:10.1037/0033-2909.108.3.480. [Source](#)
5. Granovetter M. Threshold models of collective behavior. *American Journal of Sociology*. 1978;83(6):1420-1443. doi:10.1086/226707. [Source](#)
6. Kuran T. Now out of never: The element of surprise in the East European Revolution of 1989. *World Politics*. 1991;44(1):7-48. doi:10.2307/2010422. [Source](#)
7. Pesaran MH. Economy ix. In the Pahlavi period. *Encyclopaedia Iranica*. 1997;VIII(2):143-156. Updated 16 January 2014. [Source](#)
8. Sedghi H. Feminist movements iii. In the Pahlavi period. *Encyclopaedia Iranica*. 1999;IX(5):492-498. Updated 26 April 2017. [Source](#)
9. Abdorrahman Boroumand Center. Mehdi Rahimi: One Person's Story. Omid Memorial. Based on contemporary reporting and trial records. [Source](#)
10. Rehman J. 'Atrocity Crimes' and grave violations of human rights committed by the Islamic Republic of Iran (1981-1982 and 1988): Detailed findings of the Special Rapporteur. 17 July 2024. [Source](#)
11. Amnesty International. Blood-soaked secrets: Why Iran's 1988 prison massacres are ongoing crimes against humanity. 4 December 2018. Index MDE 13/9421/2018. [Source](#)
12. Amnesty International. Iran: Mass arrests in Mashhad. 5 June 1992. Index MDE 13/13/92. [Source](#)
13. Human Rights Watch. New arrests and disappearances of Iranian students. 29 July 1999. [Source](#)
14. Amnesty International. Iran: Election contested, repression compounded. 10 December 2009. Index MDE 13/123/2009. [Source](#)
15. United Nations Human Rights Council. Report of the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Islamic Republic of Iran. A/HRC/37/68. 12 March 2018. [Source](#)
16. Amnesty International. Iran: Details released of 304 deaths during protests six months after security forces' killing spree. 20 May 2020. [Source](#)
17. United Nations Human Rights Council. Report of the Independent International Fact-Finding Mission on the Islamic Republic of Iran. A/HRC/55/67. 2 February 2024. [Source](#)
18. United Nations Office at Geneva. Human Rights Council calls for an urgent investigation into violations in the context of protests beginning 28 December 2025. 23 January 2026. [Source](#)
19. Amnesty International. Iran: Architects of crimes against humanity to suppress protests must face international justice. 16 September 2026. [Source](#)
20. Amnesty International. Iran: End escalating campaign of arbitrary executions and death sentences against protesters. 28 July 2026. [Source](#)
21. Escriba-Folch A, Wright J. Dealing with tyranny: International sanctions and the survival of authoritarian rulers. *International Studies Quarterly*. 2010;54(2):335-359. doi:10.1111/j.1468-2478.2010.00590.x. [Source](#)

22. Peksen D. Better or worse? The effect of economic sanctions on human rights. *Journal of Peace Research*. 2009;46(1):59-77. doi:10.1177/0022343308098404. [Source](#)
23. World Bank. Afghanistan's economy shows resilience but living standards are falling. 26 May 2026. Summary of the Spring 2026 Afghanistan Development Update. [Source](#)
24. Amnesty International. Iran: Women and girls facing violent crackdown. 7 May 2024. Index MDE 13/8029/2024. [Source](#)
25. Keck ME, Sikkink K. *Activists Beyond Borders: Advocacy Networks in International Politics*. Cornell University Press; 1998. doi:10.7591/9780801471292. [Source](#)
26. Stephan MJ, Chenoweth E. Why civil resistance works: The strategic logic of nonviolent conflict. *International Security*. 2008;33(1):7-44. doi:10.1162/isec.2008.33.1.7. [Source](#)
27. Chenoweth E. The future of nonviolent resistance. *Journal of Democracy*. 2020;31(3):69-84. doi:10.1353/jod.2020.0046. [Source](#)